

«هیپوفیز»

* * * * *
* * * * *
* * * * *
* * * * *

عجیبترین غده‌ای که

در جمجمه قرار دارد

اثرمن بسیار مهم است . بعید نیست که در سایهٔ من روزی
سرطان مغلوب گردد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

من گلوله‌ای کوچکتر فرمز . مانند مپوه گوستالو .

در فرمز بیوسل سافه بسیار کوچکی آوزان هشتم وزن من بهیچوجه از نیم گرم تجاوز نمیکند و ۸۵٪ آن از آب تشکیل یافته است . بعید نیست که من بیجا به ترین عضو بدن بعد از مغز باشم . بحقیقت میتوان گفت که از گانیم و زندگی جسمانی تابع

۱ - نام نویسندهٔ مقاله است .

من بنام نوسی نوسین که اقباضات دستگاه تناسلی را باعث می‌گردد صورت گرفت. سپس این من هستم که تصبیب گرفتم نوزاد. نه خیلی کوچک و نه همچون غول. گردد، من می‌توانم اندامهای تناسلی او را بحالت طفولیت دریاورم یا اینکه کهولت و پیری او را تسریع نمایم یعنی آنرا در چند ماه بوضع آخرین دوران زندگی درآورم. اسم عین **«هیپو قمر»** است:

مرا حیوان غده فرمانده بدن انسان یعنی رئیس تمام سیستم غده‌های ترشحات داخلی معرفی می‌کنند. من دستورات خود را مستقیماً از ناحیه سنگ مغزی بنام **«هیپوتالاموس»** که با آن آوازیم می‌گیرم کار من شامل بازرسی فعالیت غده‌های دیگر ترشحات داخلی است یعنی بر آنچه اورمونهای منصوبی که آنها می‌سازند، نظارت دارم. میتوان گفت که من برای «دُرّه» رئیس «آزمایشگاه» داخلی هستم و بدون اینکه خود دستگاهی کنم خود را بعنوان کارخانه‌ایکه در پیچیده ترین و درمرکزترین قسمت فرار گرفته باشد بحساب می‌آورم.

من به دو قسمت (لب) تقسیم شده‌ام: لب عقبی که کوچکتر و دو قسم اورمون که بوسیله هیپوتالاموس (قسمت از مغز) ترشح میشود در خود دارم و لب پیشین (قلبی) که «درگسترست و درآورد» هورمون‌ها دیگر و شاید بیشتر که بطور صحیح نمیدانم ترشح استند می‌گیرم. این ترشحات داخلی از پیچیده ترین مواد شناخته شده محسوب می‌گردند. معادلک بدناید که تمام فرآورده روزانه من از یک میلیونیم گرم تجاوز نمی‌کند.

زمانی گذشت که اولین دانشمندان کشف کردند تصویر می‌کنند که در طی فزون، پز شکان مرا در مقام بسیار باطنی‌تری قرار داده بودند یعنی **«هولد مخایا»** یعنی! در حقیقت ترشحات من قبل از پیدایش نسبی جدید برای تشخیص بسیار دقیق بود. هم اکنون راز این ترشحات باجمع کردن مقادیر زیادی از آن که بر داشته شده در انسان و حیوان کشف گردیده است.

یکی از اورمونهای من بنام **«تروپ»** حاکم بر غده «تروپید» است که در قسمت جلو گردن قرار دارد این «اورمون» را من باید اندازه گیری نمایم. ارایش این اورمون فعالیت بیش از اندازه غده تیروئید را موجب خواهد شد. و «دُرّه» بقیاندر مرض هلاک قرار می‌دهد گرفت، با چوبدیک اشتهاش بیش از اندازه، او بی نهایت لاغر خواهد گردید برعکس کاهش این اورمون او را بی نهایت چاق و درخورد و شرف خواهد ساخت.

خوشبختانه من یک حالت سازندگی و تنظیم کننده کاملی را، دارم می‌باشم که مانع این بی نظمی‌ها می‌گردد به طرز مشابهی در روی غده‌های تناسلی مردانه اثر می‌گذارد یعنی بکنوع ترشح اسپرم - **«مانوزوئید»** و اورمون مردانه را بوسیله آدمی آوردم و ترشح دیگر پر شدن لوله‌های «سمنتر» را موجب می‌گردد. در مورد زنها همان ترشحات رشد تخمدانها و تولید **«اول»** ها را باعث می‌شوم. این است که باید گفت: نقش من در ادامه حیات قویا آماده حساس است. معمولاً من ترشحات را بیرون می‌دهم که بوسیله آن اورمونهای **A** و **B** ذن لفظ یک اول را در همراه

بحدشد می‌رساند و چنانچه آن ترشح از یکی از اورمونهای **A** و **B** مقدار زیادی تولید نماید پنج اوول یا بیشتر در همراه بحدشد خواهد رسید و این امر موجب خواهد شد که زن نوزادی عجیب الخلقه (۵ برابر بیشتر از حد معمول) بدنیا آورد. همان مواد روی غده مخصوص مردانه اثر می‌گذارد. اگر من ترشح بمقدار کافی تولید نکم «دُرّه» تندخو و عصبانی بار خواهد آمد و میل جنسی او تماماً از بین می‌رود و اگر بمقدار زیاد تولید کنم، او بحالت ارعاش و لوفش درمی‌آید.

از مواد شیمیائی که تهیه می‌کنم مؤثرترین و فراوانترین آن اورمون رشد بنام **«سوما تروپ»** است این اورمون نقش اولیه‌ای را در تمام دوران رشد تا به بلوغ یعنی غلظت‌های الحاقی یعنی مرحله‌ایکه پایان رشد استاتورال «**Statural**» را نشان میدهد، بازی می‌کند. با ابحال «دُرّه» هنوز در این سن رسالت آن احتیاج دارد. در واقع میتوان تصور نمود که من «شکل جلد یافت استخوانی را در موقع شکلگیری استخوان فعالیت می‌اندازم و التیام و بهبودی بریدگی‌ها را تسریع می‌کنم. خلاصه موجب تجدید بافتها می‌شوم. چنانچه ترشحات «هیپوپیز» بیشتر ساخته شود، ادامه رشد از سر گرفته میشود و چون مقدار زیادی از آن در اطراف و جوانب اعضا در جمجمه متمرکز گردد؛ عوارضی از قبیل رشد بیش از اندازه دستها و پاها و بزرگ شدن بینی و ضخیم شدن چانه را پیش می‌آورد. بطور قوی امکان این امر هست که «**اورمون**» رشد، یکی از

کلیدهای حل ممای سرطان باشد. آیا نمیتوان تصور نمود که رشد سریع سلولی که «نومورهای بدنیم» را موجب می‌گردد مربوط بوجود من است؟ عملاً در لابراتوار نشان داده‌اند موادیکه بطور دقیق تکثیر سلولهای سرطانی را موجب می‌گردد در حیواناتی که از من محروم شده اند اثر می‌مانند بنظر می‌رسد که این عمل ارتباط بین سرطان و من را لااقل در آنچه که مربوط به حیوان است، برقرار سازد. در اینصورت آیا نمی‌توان با آزمایش، رشد یک سرطان را با ممانعت از عمل اورمون رشد که بوسیله یک ضد اورمون انجام می‌گردد، متوقف ساخت؟

تصور می‌کنید که ترشح دیگر «من» که برای لحظه‌ای در حیوانی تفکیک گردد، راه امیدها بجهت خارق‌العاده‌ای را، باز خواهد کرد؟! در مورد «لیپوتروپین» صحت است که حرکت دادن عواد چربی را بسوی کبد، امکان پذیر می‌سازد و در آن تبدیل به انرژی می‌گردد!

پانوجه اینکه من در پشتکی استخوانی کوچک درست در وسط جمجمه قرار گرفته‌ام تقریباً از تمام حوادث درمان هستم معذالک ممکن است در نتیجه حوادثی از بین بروم و نتایج آن نیز رنگ خواهد بود. مثلا اگر جراحی به جمجمه وارد شود، ممکن است سحر بکاهش ترشحات «**واپرسین**» (اورمون ضد دفع اوره) که اعمال کلیوی را متعادل می‌سازد، گردد. در اینصورت کلیه‌ها بیش از حد، فعال می‌گردند و شروع به خارج کردن بیش از اندازه اوره نموده مرض «استسقا» برای بیمار تولید می‌کنند

بانك اسلامى به چه كسانى وام مى دهد ؟

۱ - بانك بايد مبلغى داشته باشد تنها به كسانى وام بدهد كه نخواستن باشند از وامى كه مى گيرند كسب و تجارت كنند . زيرا براى اين منظور بانك اسلامى پول راى «مضاربه» مى دهد . بلكه تنها كسانى كه مشكلاتى براى آنها پيش آمده كه نيازمند به پول هستند به آنها وام مى دهد مانند : وام براى ازدواج - وام تحصيلى - وام براى تعميرات جزئى خانه و مركز كسب و مانند آن .

۲ - وام گيرندگان بايد امانتشان مورد تصديق دائره تحقيق و بررسى بانك قرار گيرد (اين تحقيق بايستى كاملا مبرى باشد و مأمورين تحقيق ناشناس باشند تا هم تحقيق بطور كامل و درمجهلى بدون اعمال نفوذ انجام شود و حقوق بانك محفوظ بماند

و هم به آبروى وام گيرندگان لطمه اى وارد نشود) .

۳ - وام گيرنده بايستى ضامن معتبر داشته باشد .

۴ - بانك از ضامن ، قطعه چكى مطابق تمام مبلغ وام بگيرد كه در صورت نيكه وام گيرنده اقساطش را نپردازد بانك حق داشته باشد از چك او استفاده كند .

۵ - بانك از شخص وام گيرند مطابق تمام بدهيش سفته اقساطى مى گيرد با اين همه تدابير شكى نيست كه بانك سوخت و سوزهاى مختصرى خواهد داشت براى تأمين اين سوخت و سوزها و نيز براى تأمين هزينه هاى مربوط به امور بانك چه ميكنند ؟ در شماره آينده پاسخ اين سؤالات را ميخواهيد .

بقیه صفحه ۶۳

و بیمار از عملش سوزان و لایق قطع رنج می برد .
در نتیجه حوادث ؛ گاهی اثرات اعجاب انگیزی مشاهده میشود . مثلا ترشح بیش از اندازه AGTH اورمونی که فعالیت ترشحی در غده فوق کلیوی را اداره می کند ، باعث می گردد که بدن مریض از یک طبقه سطح از چربی پوشیده و شکم قلمبه شود و درزوی گردد و لکن حاصره گلوله هائی ظاهر می گردد در حالیکه بر عکس سابق باهای بیمار بطور مضحکی نازک میشود . فشار سرخرگ بالا می رود میل جنسی کاهش می یابد و کلیس استخوانها ، کم و گاهی ستون

فقرات خمیده میشود علاوه قلب خسته و ناتوان می گردد .

برای اجتناب از این خطرات باید با عمل اشعه دادن ، اعمال مراکندتر سازند .



بانوجه بمراتب فوق اهمیت غده «هیپوفیز» در بدن انسان بهیچوجه بر کسی پوشیده نمی ماند . در اینجا است که با مطالعه اسرار آفرینش انسان در مقابل عظمت بی پایان آفریدگار ، سر تعظیم فرود آورده و بخداوند بخشنده و بزرگ شکر و سپاس می گوید .